یادداشت ها

پنج‌هزار سال عقبیم؟ واقعا؟

رسول بهروش

پس از مسجل شدن قهرمانی رئال مادرید در مسابقات این فصل لالیگا، باشگاه بارسلونا در پیامی این موفقیت را به رقیب دیرینه‌اش تبریک گفت. انتشار همین خبر در ایران کافی بود تا یک موج بزرگ انتقادی با محوریت «ما چقدر بدبختیم» شکل بگیرد. انواع و اقسام نقدها و تحلیل‌ها نوشته شد در مورد اینکه در ایران محال است هیچ تیمی قهرمانی رقیبش را تبریک بگوید. حتی یکی از نشریات معتبر و رسمی کشور به طعنه در این مورد نوشته بود: «ما ۵هزار سال دیگر هم به این سطح از تمدن نمی‌رسیم.» صدالبته انتقاد از خود کار بسیار درستی است، اما این اساسا فرق می‌کند با آنکه همینطور چشم‌بسته بقیه را تحسین کنیم و بر سر خودمان بکوبیم.

اگر ملاک فقط صدور پیام تبریک است، یک جست‌وجوی اینترنتی ساده نشان می‌دهد اتفاقا کلی از این پیام‌های تبریک طی سال‌های اخیر در فوتبال ایران داشته‌ایم. اصلا چرا راه دور برویم؟ همین پارسال که پرسپولیس در یک کورس فشرده و پرماجرا با سپاهان فاتح لیگ هجدهم شد و هت‌تریک قهرمانی را جشن گرفت، مدیران باشگاه اصفهانی با صدور اطلاعیه‌ای رسمی و زیبا، موفقیت سرخپوشان را تبریک گفته و برای این تیم در لیگ قهرمانان آسیا، کسب بهترین نتایج را آرزو کردند. در سال‌های گذشته هم مثلا باشگاه‌های ذوب‌آهن و نفت تهران رسما قهرمانی پرسپولیس در لیگ شانزدهم را تبریک گفته بودند. تازه همین امسال هم باشگاه شاهین، بعد از قبول شکست یک بر صفر برابر پرسپولیس در بازی برگشت، پیروزی و قهرمانی احتمالی سرخپوشان را در صفحه رسمی‌اش تبریک گفت. در همین رابطه حداقل ۱۰مثال دیگر هم می‌توان زد، اما شاید یکی از زیباترین پیام‌ها مربوط به پیغام باشگاه نساجی قائم‌شهر برای پرسپولیس بعد از نایب‌قهرمانی این تیم در لیگ قهرمانان آسیا می‌شد. در این پیام احساسی آمده بود: «دوست داشتیم قهرمانی شما در آسیا را تبریک بگوییم اما از نظر همه ما این نایب قهرمانی با دست خالی بسیار ارزشمند بود. نیروی اراده و تلاش بازیکنان پرسپولیس باورنکردنی و ستودنی بود. همه شما باید به‌خود افتخار کنید.» بنابراین وقتی پرچم ژاپن را در دست هواداران رقیب می‌بینیم، باید این پیام تبریک را هم کنارش ببینیم.

جالب‌تر اینکه حتی بین سرخابی‌های پایتخت هم چنین مراوداتی وجود داشته است. مثلا سایت رسمی باشگاه استقلال بعد از قهرمانی پرسپولیس در جام حذفی در سال۹۰ این موفقیت را تبریک گفت. حتی همین احمد سعادتمند هم که هم‌اکنون مدیرعامل باشگاه استقلال است، قبلا صعود پرسپولیس به فینال لیگ قهرمانان آسیا را روی صفحه شخصی‌اش تبریک گفته بود.

بله؛ بارسایی‌ها و رئالی‌ها به‌خاطر رقابت با هم، چشم همدیگر را کور نمی‌کنند، هوادار غریب تیم مقابل را دسته‌جمعی جلوی ورزشگاه خفت نمی‌کنند، ماشین خبرنگارها را منفجر نمی‌کنند، به روی هم تیغ و تیزی و زنجیر نمی‌کشند، بچه ۱۰ساله را روانه تخت بیمارستان نمی‌کنند و خیلی هم بعید است که در فضای مجازی، ناموس و خانواده طرف مقابل را به فحش بکشند و طبیعتا ناموس و خانواده خودشان را در معرض رفتار مشابه انتقام‌جویانه قرار بدهند! همه اینها درست است و باید مرتبا به هوادار ایرانی گوشزد شود، اما صرف اینکه به‌خاطر صدور یک پیام تبریک، جامعه خودمان را ۵هزار سال عقب‌تر از آنها بدانیم، نه صحیح است و نه فایده دارد. در کنار اشاره به کاستی‌ها، باید روشنایی‌ها را هم ببینیم و به آن اشاره کنیم تا این جنبه تقویت شود. خودانتقادی از نان شب واجب‌تر است، اما خودتخریبی و خودتحقیری یک سر سوزن به‌کار نمی‌آید.

لیاقت، کجای کار مربیگری است؟

اردشیر لارودی

اغلب مخاطبان، با قبول و هم‌گفتاری پذیرای این مدعای اعتراضی شدند! کمتر کسی را دیدیم و یا شنیدیم که بگوید:... نه! چنین نیست! لیاقتمداری حرف اول را می‌زند! و خلاصه اینکه جامعه فوتبال، پذیرای جا افتادن واقعیتی چنین هنجارشکن و مخالف با نخبه‌گران شد!حرف مقبولیت یافته ۷ سال پیش از آن کدام دردآشنا و کارشناس عملگرا بود؟ چنین مدعایی که اکثریت اهالی فوتبال با واقع شدنش -نه با ضرورتش- به هم‌داستانی رسیده بودند، یکی از خوب‌های فوتبال ایران بود: وحید هاشمیان! زخم را او نشان داده بود!و حالا رسیده‌ایم به تیر و مرداد سال ۹۹ یعنی حدود ۷ سال پس از آن اعتراض مؤدب و ریشه‌دار و عمیق! حالا چه باید گفت؟ پس از ماجراهایی که توسط ویلموتس بر سر فوتبال ما آمد و هنوز می‌آمد و هنوز هم می‌آید، ما چه نظری داریم درباره لیاقتی که حرف اول را برای مربیگری در فوتبال ایران نمی‌زند!عقیده زبده‌های فوتبال و کاربلدها و دانایان این هنر، حالا و در احوال امروزی چیست؟ به ویژه وحید هاشمیان که دست بر یک نقطه درد گذارده بود، چه نظری دارد؟آیا درها بر همان پاشنه‌های قدیم می‌چرخند؟ یا اینک و امروز، اوضاع به سامان رسیده است؟ لیاقت در مربیگری ایران، کجای کار است؟ مربیگری تیم ملی، چه «قدر» و منزلتی دارد؟ بحث داخلی و خارجی هم نداریم! صرف مربیگری را می‌گوییم! خالص و بی‌نخاله، فقط مربیگری!

آن روز، امروز است.دوباره خوب بازی می‌کنیم؟

بازی‌های توقع‌آفرین، در هفته بیست‌وششم لیگ برتر هم فراوانند! و صدالبته که عنایت دارید توقعی که از آن صحبت می‌کنیم، در حد و اندازه فوتبال ایران است! در حد و اندازه داور ایرانی، در حد و اندازه مربی ایرانی و در حد و اندازه بازیکن ایرانی! یعنی چه؟ باید که اندک‌خواهی را دنبال کنیم! طلب کردن و طالب نبودن یا چه؟چرا - می‌پرسیم چرا- فوتبالی در حد و اندازه اجرا شده و ببازی درآمده، برابر مراکش در جام جهانی ۲۰۱۸ را نخواهیم؟می‌پرسیم چرا، خیال می‌کنیم که عرضه تکرار بازی ایران-پرتغال را حتی در حد جام جهانی پیشین بروز ندهیم!

و می‌پرسیم این چه عناد و «لجی» است که با خودمان داریم؟ چرا ما نباید همان تیم و بهتر از آن تیمی باشیم که برابر اسپانیا بودیم؟ آری و آری! متأسفانه در لیگ برتر، عقب نشسته‌ایم! در لیگ آسیا خودمان را به نمایش نمی‌گذاریم و حتی در لیگ برتر، به فوتبال درجا زننده‌ای که قهرمانش را پرسپولیس ۴، ۵، ۶ هفته پیش‌تر جشن می‌گیرد، اکتفا می‌کنیم! ما حق نداریم بدسلیقه باشیم! ما حق نداریم به کم و به نازیبایی‌ها قانع باشیم! ما اگر در حق خودمان بگوییم «حد همین است و سخن‌دانی و زیبایی را» فوتبال ایرانی را نشناخته‌ایم! رنسانس فوتبال ایرانی، باید از یک جا شروع شود! زیبا بازی کردن از یک مقطعی باید شروع شود! و آن روز چرا امروز نباشد؟

چالش ۲ میلیاردی کریم باقری؟

چند روزی است که کمتر کسی از حضور کریم باقری در تیم‌ملی حرف می‌زند و البته مشخص نشد قراردادی که فدراسیون به‌دنبال تنظیم آن برای ارائه به این مربی برای تصمیم‌گیری درخصوص آینده کاری‌اش بود، به کجا رسید و چرا هنوز این قرارداد به دست باقری نرسیده است. هرچند منابع موثق نزدیک به باشگاه پرسپولیس معتقدند ممکن است برخی از اتفاقات شرایط را در ادامه طور دیگری رقم بزند و نتیجه‌اش درنهایت منجر به این شود که باقری فصل آینده را هم به‌عنوان دستیار در پرسپولیس حضور داشته باشد.

قرارداد و مخالفت سرخ‌ها

کریم باقری با پیشنهاد نبی برای انتخاب یکی از ۲ تیم پرسپولیس یا تیم ملی مواجه شده است؛ شرطی که در ابتدای مذاکرات وجود نداشته و به‌نظر می‌رسد فدراسیون قصد دارد یا حضور باقری در تیم‌ملی را محترمانه منتفی کند یا او را به‌صورت تمام‌وقت در اختیار داشته باشد. شنیده‌ها مبنی‌بر این است که باقری هنوز یک فصل دیگر با سرخ‌ها قرارداد دارد و با اینکه باشگاه پرسپولیس در این مدت همه تصمیمات را به‌نظر آقاکریم منوط کرده، اما اینها در ظاهر است و درعمل باشگاه به‌شدت با این انتقال مخالف است و به مربی تیمش اعلام کرده پیش‌شرط آنها برای مذاکره با تیم‌ملی حضور توأمان در پرسپولیس بوده است.

باقری ضررهای مالی را می‌پذیرد؟!

بحث قرارداد باقری با پرسپولیسی‌ها و همچنین مخالفت سرخ‌ها با حضور کامل باقری در تیم‌ملی یکی از مواردی است که می‌تواند درجهت حضور آقاکریم در تیم‌ملی مشکل ایجاد کند، اما این تنها مورد نیست و مشکلات مالی هم در این بین می‌تواند مانع از این همکاری شود.

بر اساس شنیده‌ها قرارداد فصل آینده باقری با پرسپولیس ۲میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان بدون درنظر گرفتن آپشن‌های قرارداد است که البته این مبلغ منتقدان زیادی هم داشت که چرا یک دستیار باید رقم قراردادش اینقدر باشد. اما طبق اطلاعاتی که به‌دست آمده، تیم‌ملی نمی‌تواند مبلغ بالایی به این مربی بپردازد و یکی از مواردی که در جلسه نبی با باقری مطرح شد و قرار شد بعد از طرح موضوع در هیات‌رئیسه فدراسیون فوتبال درخصوص آن تصمیم‌گیری شده و به اطلاع آقاکریم برسد، مبلغی است که فدراسیون قصد دارد به‌عنوان قرارداد با تیم‌ملی به این مربی بپردازد. ظاهرا باقری نباید انتظار داشته باشد فدراسیون بیش از ۵۰۰ میلیون تومان برای این همکاری هزینه کند و این را می توان از رقم قرارداد سرمربی خارجی تیم‌ملی برداشت کرد. با این اوصاف و باتوجه به حساسیت باقری روی مسائل مالی بعید نیست او در این شرایط قید همکاری با تیم ملی را در این مقطع بزند.

عکسی که اسکوچیچ منتشر کرد، تهدید یا سورپرایز

دیروز سرمربی تیم‌ملی عکسی در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد که او را به‌همراه دستیارانش نشان می‌داد و این مربی کروات زیر این عکس مطلبی منتشر کرد با این مضمون: کادر مربیان درحال تکمیل شدن است. برخی‌ها این عکس را نوعی تهدید برای باقری قلمداد کردند که او هرچه زودتر تصمیم خود را گرفته و جای خود را در کادر تیم‌ملی رزرو کند، هرچند برخی هم معتقدند اسکوچیچ به‌زودی با عکسی تازه فوتبال‌دوستان ایرانی را سورپرایز می‌کند.

بشار رسن: دیگر در پرسپولیس نمی‌مانم؛ گفتند رقم قراردادت را کاهش بده!

هافبک عراقی تیم فوتبال پرسپولیس با اشاره به شرایطش در این تیم، گفت: مسئولان باشگاه پرسپولیس از من خواستند رقم قراردادم را کاهش بدهم ولی دیگر در ایران نمی‌مانم. یکی از دغدغه‌های باشگاه پرسپولیس برای فصل بعد، حفظ بشار رسن هافبک عراقی است. با بالا رفتن قیمت ارز و بدقولی‌هایی که در این فصل برای پرداخت مطالبات بشار رسن صورت گرفته، بعید است این بازیکن در جمع سرخپوشان تهران باقی بماند. اتفاقات باشگاه پرسپولیس باعث شده تا بشار رسن به فکر جدایی از این تیم بیافتد و این چیزی است که بشار در تازه‌ترین مصاحبه خود، بر آن تاکید می‌کند. بشار رسن در این ارتباط گفت: باشگاه پرسپولیس از من خواسته است تا قراردادم را کاهش بدهم اما دیگر با این تیم ادامه نخواهم داد. این هافبک عراقی تاکید کرد: دیگر علاقه‌ای به ادامه بازی در ایران ندارم. سه سال با پرسپولیس بازی کردم و با این تیم قهرمان لیگ و جام حذفی شدم و حتی به فینال لیگ قهرمانان آسیا هم رسیدم.رسن درباره اینکه تصمیمش برای فصل بعد چیست و به کدام تیم می‌رود؟ گفت: به دنبال یک چالش جدید هستم. آرزو دارم که در یکی از تیم‌های اروپایی بازی کنم.

همه رکوردهای پیش روی پرسپولیس

پرسپولیس در آستانه چهارمین قهرمانی متوالی است و با وجود ۵ بازی باقیمانده می‌تواند رکوردی فوق‌العاده در تاریخ لیگ برتر و فوتبال ایران ثبت کند که شاید تا سال‌های سال دست نخورده بماند. پرسپولیس لیگ نوزدهم و تیمی که حالا در آستانه یک قهرمانی مقتدرانه قرار گرفته محصول تلاش یک کادر خارجی در ۱۶ بازی ابتدایی و یک کادر تمام ایرانی در ۱۴ هفته از نیم فصل دوم است اما به هر حال بسیاری این موفقیت را مرهون تلاش برانکو و کادرش درچهار فصل درخشان گذشته می‌دانند. با این وجود مقایسه تیم فعلی در همین مقطع زمانی از فصل یعنی هفته بیست و پنجم با تیم قهرمان فصل قبل و البته دستاوردهای جدولی و آماری‌شان می‌تواند جالب باشد.

چهارمین قهرمانی متوالی در جایی غیر از خانه

پرسپولیس در حالی ممکن است آخر همین هفته در مسجد سلیمان قهرمانی در لیگ برتر را جشن بگیرد که در سه فصل گذشته هم در جایی غیر از تهران و خانه قهرمان شده است. پرسپولیس در لیگ شانزدهم با برد سه گله مقابل ماشین‌سازی در تبریز قهرمان شد. فصل بعد از آن در لیگ هفدهم با تک گل سرنوشت ساز وحید امیری در مشهد مقابل پدیده قهرمانی را به دست آورد و سرانجام فصل قبل با گل سه امتیازی ماریو بودیمیر در شهرستان جم و بازی مقابل پارس جم به عنوان قهرمانی رسید. حالا ممکن است پرسپولیس برای چهارمین فصل پیاپی قهرمانی را جایی خارج از تهران و ورزشگاه خانگی‌اش قطعی کند.

رکورد قهرمانی زودهنگام می‌شکند؟

بهترین رکورد قهرمانی‌های زودهنگام در فوتبال ایران متعلق به پرسپولیس تحت هدایت علی پروین است که در جام آزادگان فصل ۷۸-۷۷ در هفته بیست و ششم با ۱۲ امتیاز اختلاف نسبت به استقلال قهرمان شد. در سه دوره اخیر لیگ برتر که پرسپولیس قهرمان شده سرخ‌ها در لیگ‌های شانزدهم و هفدهم در هفته بیست و هفتم یعنی سه هفته مانده به پایان فصل قهرمانی‌شان را قطعی کردند اما فصل قبل هفته آخر قهرمان شدند. حالا تیم یحیی فرصت این را خواهد داشت تا در پایان هفته بیست و ششم یعنی چهار هفته مانده به پایان فصل قهرمان شده و ضمن شکستن رکورد تیم برانکو از این حیث با رکورد تیم پروین برابری کند.

فقط دو پیروزی دیگر تا رکوردشکنی

پرسپولیس در پایان هفته بیسته و پنجم لیگ نوزدهم ۱۹ برد به دست آورده و از این حیث نسبت به سه فصل گذشته آمار بسیاری بهتری دارد. تیم برانکو فصل قبل از ۲۵ مسابقه فقط ۱۵ بازی را برده بود و در هر دو فصل هفدهم و شانزدهم هم ۱۷ برد از ۲۵ مسابقه داشت. این تعداد برد در حالی در فاصله ۵ هفته مانده به پایان فصل حاصل شده که پرسپولیس فصل قبل تنها با ۱۶ برد فصل را تمام کرد و در لیگ هجدهم از ۳۰ بازی ۱۹ برد به دست آورد و فقط لیگ شانزدهم بود که ۲۰ بردی شد. حالا تیم یحیی یک برد می‌خواهد تا به رکورد بردهای تیم برانکو در لیگ شانزدهم برسد اما چنانچه در این ۵ مسابقه در دو مسابقه برنده شود رکوردشکن خواهد شد.

قهرمانی رویایی با ۷۴ امتیاز

پرسپولیس در حال حاضر ۵۹ امتیاز از ۲۵ بازی به دست آورده در حالی که فصل قبل در همین مقطع ۵۴ امتیاز کسب کرده بود.سرخ‌ها در لیگ‌های هفدهم و شانزدهم هم بعد از ۲۵ بازی به ترتیب ۵۷ و ۵۶ امتیاز به دست آورده بودند. پرسپولیس برانکو در سه فصل اخیر و از فصل شانزدهم تا هجدهم به ترتیب با ۶۶،۶۴و۶۱ امتیاز قهرمان شدند یعنی هر فصل امتیازهای تیم قهرمان کمتر شد اما امسال می‌توانند رکورد خودشان در فصل شانزدهم را بشکنند و رویای قهرمانی با ۷۰ یا حتی بیشتر از آن را تحقق بخشند که البته کار دشواری است چون حداقل در چهار مسابقه از ۵ بازی باقیمانده باید برنده شوند. پرسپولیس با دو امتیاز دیگر به امتیازهای فصل قبلش خواهد رسید و ۵ امتیاز تا رکورد لیگ هفدهمش می‌خواهد اما برای رسیدن به رکورد لیگ شانزدهم باید حداقل ۸ امتیاز از ۵ بازی باقیمانده‌اش بگیرد.در عین حال پرسپولیس در خوشبینانه ترین حالت می‌تواند ۷۴ امتیازی شده که حالت رویایی است چون در آن صورت رکورد بیشترین امتیاز و بیشترین میانگین امتیازی ادوار لیگ برتر را مال خود خواهد کرد.

در ۵ بازی فقط دو گل بخورید

به نظر می‌رسد مهم‌ترین اصل برای قهرمانی در هر فصل داشتن خط دفاع منسجم و قدرتمند است. در لیگ پانزدهم هم استقلال خوزستان تنها به خاطر عملکرد فوق‌العاده‌اش در خط دفاع قهرمان شد اتفاقی که در سه فصل گذشته برای پرسپولیس رخ داد و تیم برانکو در لیگ شانزدهم و هجدهم فقط ۱۴ گل خورد و در لیگ هفدهم هم با ۱۵ گل خورده صاحب بهترین خط دفاع شد. حالا پرسپولیس از ۲۵ بازی فقط ۱۱ گل خورده در حالی که تیم برانکو فصل قبل در این هفته ۱۲ گل خورده داشت اما تیم قهرمان پروفسور در لیگ‌های ۱۶ و ۱۷ از این تعداد بازی فقط ۱۰ گل خورده بود. پرسپولیس یحیی برای ثبت آمار خط دفاعی بهتر نسبت به تیم سه فصل قبل برانکو حق دریافت بیش از ۲ گل در ۵ بازی آینده را ندارد.

حداقل ۱۲ گل در ۵ بازی می‌خواهند

پرسپولیس از ۲۵ بازی ۳۷ گل به ثمر رسانده که یک گل بیشتر از آمار پایان فصل قبل خودش به حساب می‌آید. سرخ‌ها در هفته ۲۵ فصل قبل ۳۳ گل زده بودند و در همین مقطع لیگ‌های هفدهم و شانزدهم به ترتیب ۴۱ و ۳۵ گل زده داشتند. پرسپولیس برانکو لیگ شانزدهم را با ۴۶ و لیگ هفدهم را با ۴۸ گل به پایان رساند و با این حساب تیم یحیی اگر قصد دارد در این آیتم از تیم سه فصل گذشته جلو بزند باید در ۵ بازی باقیمانده حداقل ۱۲ گل به ثمر برساند. البته تیم برانکو در لیگ پانزدهم ۵۰ گل زد که نایب قهرمان شد و اگر تیم یحیی قصد شکستن رکورد گلزنی آن تیم را در سر داشته باشد باید حداقل ۱۴ گل دیگر به ثمر برساند. پرسپولیس در این فصل فعلاً بعد از استقلال دومین خط حمله قدرتمند لیگ را در اختیار دارد اما فصل قبل با وجود قهرمانی در این آیتم چهارم شد. پرسپولیس برانکو البته در لیگ شانزدهم با ۴۶ گل زده بهترین خط حمله لیگ را از آن خود کرد . پرسپولیس برانکو در لیگ هفدهم هم با ۴۸ گل زده صاحب عنوان بهترین خط حمله شد و فقط فصل قبل در این آیتم شرایط نابسامانی داشت.

استرا - مجیدی؛ دوقطبی یک تیم رنج دیده

احسان صدری

آندرآ استراماچونی روزی که به استقلال آمد یک پروژه مشخص و تعیین شده در ذهن داشت. هدف اصلی این پروژه بازسازی بود. بازسازی هم برای استقلال و هم برای کارنامه شخصی خودش.

مدیران وقت استقلال با محوریت علی خطیر به این نتیجه رسیده بودند که حتی قهرمانی هم با شفر راهگشا نخواهد بود و تیم نیاز به تغییرات گسترده در بخش فنی و حتی ترکیب بازیکنان دارد. مربی کهنه‌کار آلمانی در ماه‌های آخر رختکن را از دست داده بود و اختلافات درون تیمی از کنترل خارج شده بود. بازیکنان اعتماد خود را به تمرینات کادر فنی از دست داده بودند و با مدیران تیم هم دچار چالش‌های جدی شده بودند.

استراماچونی هم از سویی پس از چند ناکامی در یونان و چک فرصت اشتباه کردن نداشت و قبل از قبول پیشنهاد استقلال مدت زیادی را صرف تحقیق در مورد شرایط گذشته و حال باشگاه استقلال و لیگ ایران کرده بود.

پس از چند ماه مذاکره پنهانی و آشکار مربی ایتالیایی به تهران آمد. و کار را آغاز کرد. اخباری که از اردوی پیش فصل و تمرینات سخت‌گیرانه کادر فنی ایتالیایی به بیرون درز می‌کرد حاکی از رضایت و اشتیاق بازیکنان بود. بازیکنان تاثیرگذار هم هرچند دیر ولی به هر حال تمدید کردند. و همه چیز مؤید این بود که بالاخره پس از چند سال روند صحیح انتخاب مربی و اجرای پروژه بازسازی در باشگاه شکل گرفته است.

در چند هفته اول نتایج رضایت بخش نبودند و تیم هم کامل نبود. به مرور روزبه چشمی، علی کریمی و دیاباته به ترکیب اضافه شدند و روش بازی مد نظر استراماچونی هم بیشتر جا افتاد.

فوتبال استراماچونی متکی بر مالکیت توپ و پاس‌های زیاد نبود. سرعت انتقال، تبدیل به اصل اساسی روش بازی استقلال شده بود. پست‌های جدیدی در تیم تعریف شده بود. علی کریمی نقش رجیستا یا بازیساز عقب زمین را به عهده گرفته بود. داریوش شجاعیان و فرشید اسماعیلی در نقش های جدید فوتبالی متفاوت ارائه می‌دادند. و چهره‌هایی چون عارف غلامی، ریگی و قائدی تبدیل به پدیده‌های ترکیب شده بودند. پیشرفت در اجرای ایده‌های جدید با چشم غیر متخصص هم قابل شناسایی بود. استقلال گل‌های تکرار شونده و طراحی شده می‌زد. شکل پرس تیمی بر اساس تله‌های مشخص شده در هر بازی قابل شناسایی بود و مربیان لیگ برتر را به تحسین روش بازی استقلال وا می‌داشت. بهبود قدرت فیزیکی و سرعت تیمی استقلال در هر بازی مشخص بود. در بخش روانی هم استراماچونی با استفاده از کاریزمای شخصی‌اش شور و انگیزه را به تیم و هواداران تزریق کرده بود. در واقع تیغ فوتبال استرا تن تیم‌های رقیب را می‌برید و بازی به بازی هم تیزتر می‌شد. ولی یکباره کاخ آرزوهای آبی‌ها فروریخت.

استراماچونی که از ابتدا مشخص بود روحیه سخت‌گیر و انعطاف ناپذیری دارد و قرار نیست با قسم من بمیرم تو بمیری مدیران باشگاه بسازد، ایران را ترک کرد و قراردادش را یک طرفه فسخ کرد. پروژه بازسازی نیمه‌کاره و در دوران جنینی سقط شد. مقصران اصلی مشخص نشدند و عاملان مذاکره با در و دیوار هتل در قطر هواداران رو به سخره گرفتند. ته مانده اعتماد بین هواداران و تصمیم گیران باشگاه آب شد و قابل پیش‌بینی بود که استقلال به عقب برخواهد گشت.

در چنین فضای خالی از اعتماد و همبستگی هیچ مجموعه‌ای نمی‌تواند نفس بکشد چه رسد به پیشرفت. فرهاد در چنین شرایط بحرانی مسئولیت فنی تیم را پذیرفت. دوباره متحد کردن تیم، ادامه راه استراماچونی و احتمالا پایان آبرومندانه فصل مسئولیت فرهاد بود. ولی بخش بزرگی از هواداران به جای قبول فرهاد به عنوان caretaker ونگاه‌دارنده تیم در شرایط بحرانی، فرهاد را به چشم همدست مقصران موضوع استراماچونی نگاه می‌کردند و می‌کنند. این که فرهاد دانش فنی همسنگ استراماچونی ندارد و به جای یکی از محبوب‌ترین مربی‌های سالهای اخیر باشگاه نشسته است تقصیر فرهاد نبود ولی به پایش نوشتند و می‌نویسند. این که تیم فرهاد تحلیل رفته است و شادابی ابتدای فصل را ندارد مسئولیتش با کادر فنی است ولی در شرایط نرمال. نه در مقایسه نابرابر.

فرهاد مجیدی وارث یک پروژه رها شده و ابتر مانده، یک تیم عصبانی و زخم خورده و یک هوادار بی اعتماد و عصیان‌گر شده بود.

جمع و جور کردن این شرایط دیگر احتمالا از عهده خود استراماچونی هم بر نمی‌آمد چه رسد به فرهاد. ولی فرهاد ریسک را پذیرفت و فصل را هم کجدار و مریز پیش برده است. و از منظر آماری هم با توجه به شرایط یاد شده نمی‌توان نمره بدی به تیمش داد. اما درست است، چاقوی فرهاد به تیزی تیغ استراماچونی نیست.

اعتماد هواداران آبی به تصمیم‌گیران فوتبال ایران هم به این سادگی‌ها بازسازی نخواهد شد. و شاید چندین قربانی دیگر هم فدای سو مدیریت و اهمالی خواهند شد که هنوز هم مشخص نیست چه کسانی مسئولش بودند. نه فرهاد مجیدی و نه هوادار استقلال مقصر این اتفاقات نیستند بلکه قربانی این شرایط هستند. تیمی در وضعیت صعود و پیشرفت با مجموعه‌ای از تصمیات اشتباه به ورطه سقوط و پس رفت افتاده است، و تا مادامی که واکاوی درست و دقیقی از پروسه قهر استراماچونی و شائبه‌های حول و حوشش نشود، هر بی مسئولیتی از درون و بیرون باشگاه بهانه‌ای غیر فوتبالی به دست خاطیان خواهد داد.

این رویه نادرست هم محدود به هواداران و بازیکنان آبی نخواهد ماند.(پس) شاید و هر گاه روند موفقیت‌های پرسپولیس هم پاره شود هواداران این تیم هم جمله تکراری این روزهای فوتبالمان را آماده دارند که پست کنند: نمی‌خواهند دیگر ما قهرمان شویم. آن‌ها هم مقصر نخواهند بود. بی اعتمادی را جای دیگر کاشته‌ایم و امروز محصولش را درو می‌کنیم.

چهار خشم فرهاد

بهروز رسایلی

خبر مهم اردوی استقلال پیش از بازی این تیم با نساجی مازندران، اخراج محمد دانشگر به‌دلیل بی‌انضباطی بود. فرهاد مجیدی چه در مقطع کوتاهی که فصل گذشته سرمربی موقت استقلال بود و چه در دوره حاضر، نشان داده اهل اغماض با بازیکنان بی‌انضباط نیست و برای چنین برخوردهایی، حتی مصلحت‌اندیشی فنی هم ندارد. دست‌کم ۴ نمونه از واکنش‌های انضباطی مجیدی در استقلال را به آسانی به یاد می‌آوریم.

منشا؛ فرهاد انتقام شفر را گرفت

آخرین حضور وینفرد شفر روی نیمکت استقلال مربوط به بازی این تیم برابر شهرخودرو مشهد می‌شد. استقلال آن بازی را یک بر صفر باخت و تقریبا شانس قهرمانی را از دست داد. آن مسابقه اما یک حاشیه عجیب داشت؛ اینکه گادوین منشا وقتی متوجه عدم‌حضورش در ترکیب اصلی آبی‌پوشان شد، در اعتراض به این موضوع از شفر خواست اسم او را کلا از لیست ۱۸ نفره خط بزند. به این ترتیب منشا سکونشین شد و عمر حضور شفر در استقلال به برخورد با این بازیکن قد نداد، اما فرهاد مجیدی در نخستین جلسه تمرینی پس از آن بازی در مواجهه با منشا، با اخراج از تمرین او را در اختیار باشگاه قرار داد.

همام؛ استقلال جای امثال تو نیست

دومین قربانی نظم‌گرایی مجیدی در استقلال هم خارجی بود. طارق همام پس از اینکه متوجه شد در ترکیب اصلی استقلال برای بازی با الدوحیل حضور ندارد، با خشم و غضب اردوی تیم را ترک کرد و راهی خانه شد. مجیدی هم در نشست خبری بعد از آن بازی با ادبیاتی تند اعلام کرد تا زمانی که او هست، طارق همام دیگر جایی در استقلال نخواهد داشت، چرا که این تیم جای ناز کردن نیست. همین اتفاق هم رخ داد و همکاری همام با آبی‌پوشان به پایان رسید.

رحمتی؛ گربه را دم حجله کشت

مجیدی فصل گذشته برای اینکه به‌اصطلاح گربه را دم حجله کشته باشد، با مهدی رحمتی هم برخورد کرد. فرهاد در آن مقطع پس از اخراج وینفرد شفر سرمربی موقت استقلال شده بود. شاید خیلی‌ها انتظار داشتند با حضور این همبازی قدیمی، روند نیمکت‌نشینی‌های رحمتی هم قطع شود و کاپیتان اول آبی‌ها به ترکیب اصلی برگردد، اما این اتفاق رخ نداد. در بازی آسیایی استقلال با الدوحیل، بار دیگر حسین حسینی در ترکیب اصلی به میدان رفت و مهدی رحمتی هم پس از سوت پایان مسابقه بدون هماهنگی با کادرفنی راهی منزل شد. رحمتی در تمرین روز بعد هم حاضر نشد تا فرهاد تصمیم به توبیخ او بگیرد. مهم‌تر از اصل مجازات رحمتی، رسانه‌ای شدن خبر این اتفاق با صلاحدید مجیدی بود. رحمتی که آن روزها به‌شدت در استقلال تحت فشار قرار داشت، حتی پیش از تعیین تکلیف کادرفنی آبی‌ها برای لیگ نوزدهم با شهرخودرو به توافق رسید و راهی مشهد شد.

دانشگر؛ کی درست می‌شوی؟

محمد دانشگر اما چهارمین قربانی نظم‌گرایی فرهاد است. درست در روزهایی که سیاوش یزدانی و عارف غلامی طبق معمول غایب هستند و نمی‌توانند به تیم کمک کنند، جناب دانشگر به‌عنوان یکی از معدود مدافعان میانی باقی‌مانده در استقلال در تمرینات دردسر درست می‌کند؛ در حدی که فرهاد مجیدی ناچار می‌شود او را کنار بگذارد. ظاهرا دانشگر بعد از بگومگو با وریا غفوری قهرکرده و کاورش را به زمین کوبیده؛ مجیدی هم درجا او را در اختیار باشگاه قرار داده است. دانشگر که قبلا هم سابقه انجام چنین رفتارهایی را داشته، همان بازیکنی است که بعد از نخستین بازی بدون استراماچونی مدعی شده بود حضور یا عدم‌حضور مربی ایتالیایی فرقی به حال تیم ندارد!

دیاباته، گلزن‌ترین مهاجم خارجی تاریخ استقلال

شیخ دیاباته با گلی که هفته پیش مقابل صنعت نفت آبادان به ثمر رساند، جمع گل های زده اش را در لیگ برتر برای استقلال به عدد ۹ رساند و به رکورد مامه تیام مهاجم سنگالی رسید که در زمان سرمربیگری وینفرد شفر برای آبی ها توپ می زد. تیام که تا پیش از این بهترین مهاجم گلزن تاریخ باشگاه استقلال محسوب می شد، هفته پیش رقیبی جدی به خود دید و در بازی پنجشنبه شب رکورد مذکور به شیخ دیاباته رسید.

دیاباته با تک گلی که مقابل نساجی از روی نقطه پنالتی به ثمر رساند، تعداد گل های زده اش در لیگ برتر به عدد ۱۰ رسید و به بهترین گلزن خارجی تاریخ استقلال در لیگ برتر تبدیل شد. دیاباته که ۳ گل هم در رقابت های لیگ قهرمانان آسیا به ثمر رسانده، حالا جمعا ۱۳ گل برای استقلال زده و بهترین مهاجم خارجی تاریخی این باشگاه محسوب می شود.

مهاجم استقلال البته در کورس آقای گلی میان مثلث هجومی استقلال نیز تاکنون جلو زده و حالا با ۱۰ گل زده بالاتر از مهدی قائدی و ارسلان مطهری بهترین گلزن استقلال در فصل جاری نیز به حساب می آید.

استقلال در طول تاریخ خود مهاجمان خارجی زیادی به خود دیده است. شاید تا قبل از آمدن مامه تیام به اردوی آبی ها توسط وینفرد شفر هواداران استقلال خیلی از مهاجمان خارجی خاطرات خوبی نداشتند اما این بازیکن سنگالی تصورات در این خصوص را تغییر داد و به بازیکنی محبوب نزد آبی ها تبدیل شد. تیام که نیم فصل در استقلال بود با گل های معروفش هواداران استقلال را جذب خود کرد و توانست روزهای خوبی را سپری کند. بی تردید جدایی زودهنگام او اتفاقی بود که باعث ناراحتی بسیاری از هواداران شد اما حالا آنها خوشحالند که بازیکنی مثل دیاباته توانسته جای خالی تیام را پر کند.

دیاباته که با نظر آندره آ استراماچونی به استقلال پیوست کمی زمان برد تا با سایر بازیکنان هماهنگ شود اما رفته رفته به ستاره ای تبدیل شد که هواداران نیز از او استقبال کردند. دیاباته با گل های حساسش برای استقلال روزهای خوبی را رقم زد و حالا با گذشت ۲۶ هفته از رقابت های لیگ برتر به گلزن ترین و تاثیرگذارترین مهاجم خارجی تاریخ این باشگاه تبدیل شده است. او علاوه بر گل هایی که برای استقلال زده، تاکنون ۸ پاس گل نیز برای آبی ها ارسال کرده و نقش غیرقابل انکاری در خط حمله تیمش داشته است.

بی تردید حالا اصلی ترین خواسته هواداران استقلال این است که دیاباته برای فصل آینده نیز در این تیم ماندگار شد و پیراهن آبی ها را برتن کند. وعده ای که سعادتمند مدیرعامل استقلال نیز به هواداران داده و حالا آنها در انتظار تحققش هستند.